

سخنرانی

## ایران قرن بیست و یکم

# و

## ضرورت توجه به دریا\*

دکتر عبدالرسول خیراندیش  
هیئت علمی دانشگاه شیراز



فردا چه خواهد شد، پرسش کاملی نیست. زیرا می‌توان از آن انفعال را نیز دریافت. هرچند شناخت آینده اهمیت فراوان دارد اما نباید فراموش کرد که بخش مهمی از شناخت آینده مستلزم دیدن خویش در آینده‌ای است که حتی ممکن است دیگران، نقش‌آفرین اصلی آن باشند. بیش از آنکه پرسش درباره چگونگی تحولات فردا اهمیت داشته باشد، این سؤال اساسی واجد اهمیت است که ما چه می‌خواهیم و چه می‌توانیم بکنیم؟

پاسخ بدین سؤال، بدون شک ایجاب می‌کند که شناختی جامع از موقعیت خود و دیگران از گذشته تا آینده داشته باشیم. اما جان کلام و نکته اساسی در اینجا، این است که چگونه می‌توان از انفعال نسبت به آینده خارج شد. آینده‌ای که ممکن است مانند چند قرن گذشته به دور از اراده و اختیار ما پنداشته شود. به هر روی آینده چیزی نیست جز آنچه انسان‌ها به سوی آن گام برمی‌دارند. هر که مصمم‌تر، داناتر و پیش‌بین‌تر، بدون شک موفق‌تر خواهد بود.

و با استدلالی سلیبی به آسانی درخواهیم یافت که زیستن بدون توجه به دریا تا چه اندازه برای ما زیان‌بار و پرخسارت بوده است. اگر بناست دورنمای آینده ایران در قرن بیست و یکم را ملاحظه کنیم، بدون شک امان نظر درباره این زمان طولانی یکصد سال مستلزم توجه به حداقل نیمی از هزاره‌ایست که پشت سر گذاشته‌ایم. این نیمه دوم هزاره دوم در شرایطی که تحولات گوناگون جهانی در آن رخ می‌داد برای ما حاصلی جز عقب ماندگی نداشت بدون شک، سیر به سوی آینده بی‌تأثیر از روندی که در پشت سر گذاشته‌ایم نیست. عوامل ثابتی چون بستر جغرافیایی، موقعیت سرزمینی، سجایای ملی، خاطره تاریخی و مانند آنها، موقعیت ما را در آینده تحت‌تأثیر قرار خواهند داد. کم‌اینکه تاکنون نیز چنین بوده و برای همه ملت‌ها نیز چنین بوده است.

اما تردیدی نیز نباید داشت که آینده ما در گرو اراده ماست. آینده در حقیقت با تصمیم برنامه و عمل ما شکل می‌گیرد. اینکه بگوییم

بیش از پنج قرن از آغاز دورانی که در آن بهره‌گیری از دریا نقش قاطعی در اقتدار ملت‌ها دارد می‌گذرد. در این مدت، ما بسیاری از مرزهای خود را از دست داده‌ایم و در حالی که از ثروت و قدرت بسیار اندکی برخوردار هستیم، در جایگاه نامطلوبی از نظر موقعیت جهانی خویش قرار داریم. تلاش‌ها و کوشش‌های مردمان به صورت انقلابات و دولتمردان در قالب اصلاحات طی این چند قرن، دورنمایی مشخص از ثروت و قدرت را در برابر دیدگان ما قرار نمی‌دهد. این در حالی است که طی همین چند قرن، مللی به اقتدار و افتخار دست یافته‌اند که بعضی از آنها تا پیش از آن مقام و موقعیتی در عرصه جهانی نداشته‌اند.

هرچند بحث درباره علل عقب‌ماندگی ما بسیار شده و دلایل و عوامل بسیاری نیز برای آن بیان شده است، اما در نگاهی تطبیقی به تاریخ مللی که مراحل ترقی را به سرعت پیموده‌اند، نیک درخواهیم یافت که نقش دریا و توسعه بهره‌برداری از آن تا چه اندازه، حائز اهمیت بوده

در آغاز شکل‌گیری تمدن جدید غرب،  
رنسانس در آن دسته از کشورها و  
مناطق اروپایی رخ داد که معیشتی  
مبتنی بر دریا داشتند



روسیه جدید در آغاز قدرت‌گیری خود  
تلاش بی‌وقفه‌ای را برای رسیدن به بالتیک و  
دریای سیاه به کار بست و هنوز نیز رقیبانش از رویای آن  
برای دستیابی به آب‌های اقیانوس هند به مثابه  
کابوسی برای خویش یاد می‌کنند

ایالات متحده با بهره‌گیری از  
سواحل اقیانوس اطلس،  
بنیادهای قدرت خویش را مستحکم ساخت.  
سپس با درک این مهم  
شتابان و در کمتر از یک قرن  
با توسعه ارضی و طی مسافت طولانی  
به اقیانوس آرام رسید

توضیح بیشتر ندارد.  
می‌دانیم که در قرون جدید، توان دریایی که  
در اصل مربوط به دستاوردهای سطحی بوده،  
تنوع بسیار مهمی در قدرت اقتصادی و نظامی و  
بالتبع سیاسی کشورها ایفا کرده است. اما در  
قسمتی از قرن بیستم، صنایع هوایی و فضایی  
اهمیت چشم‌گیرتری یافت. با این حال در اواخر  
قرن بیستم بهره‌گیری از بستر دریا و نیز ناوگان  
زیر سطحی اهمیت بیشتری یافت. در همان حال  
نقش دریا تا آن اندازه مهم دانسته شد که قرن  
بیست و یکم را قرن اقیانوس آرام نامیدند.  
اما ایرانیان در اواخر قرن پانزدهم که  
اکتشاف راه‌های دریایی توسط اروپائیان شروع  
شد، امکانات دستیابی به دریاهای سیاه و  
مدیترانه را از دست دادند. قدرت‌نمایی عثمانی‌ها  
علت اصلی این ناکامی بود. سپس با قدرت  
گرفتن روس‌ها، به تدریج نفوذ در نیمه شمالی  
دریای مازندران نیز از دسترس ایرانیان خارج شد.  
در این حال اروپائیان در سراسر سواحل جنوبی  
ایران به برتری دریایی رسیده بودند. سراسر

اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. پیروزی در نبرد دریایی  
تسوشیما در سال ۱۹۰۵ در برابر روسیه همواره  
گام بزرگی در پیشرفت ژاپن دانسته شده است.  
ایالات متحده با بهره‌گیری از سواحل اقیانوس  
اطلس، بنیادهای قدرت خویش را مستحکم  
ساخت. سپس با درک این مهم شتابان و در کمتر  
از یک قرن با توسعه ارضی و طی مسافت  
طولانی به اقیانوس آرام رسید. سپس طی یک  
قرن دیگر که مستلزم چندین جنگ مهم از جمله  
جنگ‌های جهانی اول و دوم و فائق آمدن بر  
رقیبانی چون انگلستان و ژاپن بود بر دو اقیانوس  
اطلس و آرام سیطره یافت.  
در این راستا اهمیت نظریات ماهان -  
نظریه‌پرداز آمریکایی - در مورد ضرورت گسترش  
قدرت دریایی ایالات متحده را باید به خاطر آورد.  
از این نوع اشارات تاریخی، فراوان می‌توان  
عرضه کرد و به طور کلی تاثیر تحولات دریایی  
اعم از مسائل اقتصادی، تکنیکی، سیاسی و  
فرهنگی در فراز و فرود قدرت دولت‌ها و ملت‌ها  
طی چند قرن اخیر بسیار مشهود است و نیاز به

در آغاز شکل‌گیری تمدن جدید غرب،  
رنسانس در آن دسته از کشورها و مناطق اروپایی  
رخ داد که معیشتی مبتنی بر دریا داشتند.  
رنسانس ایتالیایی اساساً با تجارت در دریای  
مدیترانه پیوند داشت و کشورهایی چون هلند،  
انگلستان و فرانسه، از طریق دریا و در پیش  
گرفتن سیاست‌های مرکانتیلیستی به قدرت و  
ثروت رسیدند. از آنجا که شروع عصر دریاها  
همراه با پشت سر گذاشتن حاکمیت طبقه سواره  
نظام زمیندار یعنی اشرافیت سنتی بود، در شرایط  
جدید رشد بورژوازی با توسعه دریانوردی توأمان  
گردید. این خود تحول اجتماعی مهمی برای  
توسعه تجارت و دریانوردی به‌شمار می‌آمد.  
روسیه جدید در آغاز قدرت‌گیری خود تلاش  
بی‌وقفه‌ای را برای رسیدن به بالتیک و دریای  
سیاه به کار بست و هنوز نیز رقیبانش از رویای  
آن برای دستیابی به آب‌های اقیانوس هند به  
مثابه کابوسی برای خویش یاد می‌کنند. ژاپن از  
آغاز صنعتی شدن، دریا را مدنظر قرار داد.  
موقعیت دریایی آن کشور، چنین امری را

اقیانوس هند به چنگ دولت پرتغال افتاد و ملوک هرمز، سرنوشتی بسیار تلخ یافت.

امید جهان اسلام به ملوک هرمز بسیار زود رنگ باخت. حضور عثمانی‌ها در خلیج فارس و دریای سرخ در شرایطی صورت گرفت که سراسیمی انحطاط آنان آغاز شده بود. حضور عثمانی‌ها نه تنها مانعی جدی در برابر پرتغالیان ایجاد نکرد بلکه سواحل عراق و عربستان را نیز از دسترس ایران که متکی به توان زمینی خود بود محروم ساخت. تلاش‌های بی‌وقفه نادر شاه افشار، برای تجدید موقعیت دریایی ایران و پاسخ مثبت به ضرورتی که ایجاد نیروی دریایی مطرح می‌ساخت هم به نتیجه نرسید.

فقدان تحولات تکنیکی و اتکای کامل به سوارکاران شمشیرزن قبایلی، موانع عمده‌ای بودند که در کنار طوفان گرفتاری‌های داخلی و مرزهای زمینی در این راه وجود داشت. در نتیجه این مسیر ادامه یافت و تا پایان عصر قاجاریه ایران از نیمه غربی دریای مازندران به سواحل جنوبی آن عقب نشست. در حالی که صرفاً به آن دریا به مثابه خندقی در قسمتی از مرزهای خود می‌نگریست. مرزهای جنوبی نیز با تثبیت قلمرو در اروندرود و عقب‌نشینی در بلوچستان به چابهار محدودتر شد. سراسر سواحل و جزایر جنوبی ایران در برابر قدرت بی‌رقیب انگلستان، عملاً به حال خود رها شد. از این مرز طولانی و تقریباً بی‌دفاع در همان حال که ما بی‌واسطه به مناسبات بین‌الملل و تجارت آن مرتبط می‌شدیم، متحمل بیشترین فشارهای سیاسی و نظامی نیز شدیم و امتیازات فراوانی در دیگر مرزهای خود به خواست انگلستان از دست دادیم، مسئله هرات و مسائل جنگ جهانی اول و دوم نمونه‌هایی از مصائبی است که ایران به خاطر فقدان نیروی دریایی متحمل شد.

نگاهی به مرزهای زمینی ایران در سالیان اخیر نشان می‌دهد که هیچکدام فارغ از دلمشغولی نبوده است. در مرزهای زمینی غرب، جنگی پر خسارت را متحمل شدیم و در مرزهای شرقی، دچار معضل امنیت و موادمخدر گشتیم. در بقیه مرزها نیز پیچیدگی مسائل انسانی، فرهنگی و تاریخی به شکل هجوم مهاجران، بی‌ثباتی در کشورهای همسایه همراه با فقدان تحرک دیپلماسی، هرگونه پیشرفتی را مانع شده است. اما در خلیج فارس هرچند بی‌مشکل نیستیم اما ثبات بیشتری را شاهد بوده‌ایم. مسیر نفت و تجارت طی دهه‌های اخیر، هیچگاه با مشکلی جدی مواجه نبوده است. هرچند این نقص را داشته‌ایم که همواره خلیج فارس را صرفاً به حیث عبور بدون مشکل نفت نگریسته‌ایم. موقعیت برتر سرزمینی، جمعیتی و تاریخی در

اینجا ما را در وضعیت بسیار مطلوبی قرار می‌دهد. و این امکان را فراهم می‌سازد که با مسائل سیاست خارجی و تجارت جهانی بی‌واسطه در تماس قرار بگیریم. همگرایی نسبی جمعیتی، فرهنگی، جغرافیایی و اقتصادی نیز زمینه تفاهم و همکاری گسترده‌ای را فراهم می‌سازد.

مزیت‌های نسبی ما ایرانیان در سواحل اقیانوس هند بیش از این‌ها است. سواحل گسترده با موقعیت استراتژیک در یکی از مهم‌ترین مسیرهای انرژی و تجارت جهانی و در همان حال به دور از مزاحمت‌ها و مشکلاتی که هرچند گاه یکبار در خلیج فارس با آن رو به رو هستیم در اختیار ماست. اگر به این نظریه توجه کنیم که در قرن حاضر، یکی از مواضع استراتژیک جهان خطی است که از باب المندب به تنگه مالاکا می‌گذرد و حضور پرارزش ایران در این عرصه را مدنظر قرار دهیم، اهمیت بهره‌برداری هرچه بیشتر از سواحل بلوچستان هم برای امنیت و هم اقتدار ملی ما محسوس‌تر خواهد شد. امکان بسیار با ارزشی که در اینجا برای ما وجود دارد بازار بزرگ هند برای گاز ایران است که این خود موجب می‌شود بزرگترین و در همان حال نزدیک‌ترین بازار انرژی برای ما بوجود آید خط لوله‌ای که در امتداد سواحل ایران عبور خواهد کرد ضرورت‌های نگرش استراتژیک بدین سمت را برای ما بیش از پیش آشکار خواهد ساخت.

شرایط داخلی ما نیز به گونه‌ای سیر می‌کند که عطف توجه به دریا را بیش از پیش الزامی می‌سازد. رشد جمعیت تناسب میان سطح مفید بهره‌برداری از زمین و انسان را به هم می‌زند، تراکم نسبی جمعیت در سراسر ایران، وضعیت نسبی یکسان و مطلوبی ندارد و این علاوه بر آنکه توسعه اقتصادی را با مشکل مواجه می‌سازد، در کلیت جامعه کنونی ما نیز وضعی نابسامان را جلوه‌گر می‌سازد، رشد فزاینده تخریب محیط‌زیست و نابسامانی در بهره‌برداری از آب و خاک، به علاوه ناپایداری بهره‌مندی مطلوب از ریزش‌های جوی، بهره‌گیری هرچه بیشتر از دریا جهت معیشت و تغذیه و اشتغال و حتی اسکان را الزام‌آور می‌سازد. این در حالی است که تنها حدود یک درصد از اشتغال و حدود یک درصد از تغذیه مردم ایران با استفاده از دریا است. در مقیاس‌های جهانی این رقم بسیار بالاتر است.

در مجموع از این دست فواید کشش به سوی سرمایه‌گذاری و توسعه در سمت جنوب شرقی کشور و حضور مؤثرتر در اقیانوس هند فراوان می‌توان ذکر کرد، منتهی مشروط بر آنکه به عنوان محور توسعه و به عنوان راهبرد اصلی برنامه‌ریزی قلمداد شود. لذا در پایان و به عنوان

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری موارد زیر را متذکر می‌گردم:

۱ - ما در مرزهای خشکی، جمعیت‌پذیر بوده‌ایم و از رهگذر این امر با مشکلاتی مواجه شده‌ایم. در حالی که از سمت دریا مهاجرفرست بوده‌ایم و این نشان می‌دهد که هم با روی آوردن به دریا مشکلات جمعیتی کمتری خواهیم داشت و هم به مشکلات جمعیتی بهتر می‌توان پاسخ گفت.

۲ - با توجه به توسعه علوم و فنون دریایی و شیوه‌ها و عرصه‌های بهره‌برداری از آن، روی آوردن به دریا، سرعت یافتن توسعه و علمی شدن آن مستلزم انطباق با شرایط جدید علم و تکنولوژی است.

۳ - از آنجا که در مرزهای زمینی پیچیدگی‌های ناشی از قومیت‌ها و فرهنگ‌های بومی مشکلاتی در امر توسعه ایجاد می‌کند، در سمت دریا از این نوع موانع توسعه تقریباً وجود ندارد.

۴ - اشکالات و موانع توسعه روابط دیپلماتیک در بعضی از مرزهای زمینی و یا کندی توسعه مناسبات دیپلماتیک با بعضی از همسایگان ایجاب می‌کنند که از طریق توسعه دریایی، نسبت به بازیابی موقعیت بین‌المللی خویش و حضور مؤثرتر در عرصه جهانی اقدام کنیم.

۵ - لازم است در امر آموزش عالی نسبت به برنامه‌ریزی و تربیت نیروی انسانی لازم در سطوح مختلف برای بهره‌برداری از دریا و نیز جذب دانش لازم در این خصوص اقدام کرد.

۶ - سرمایه‌گذاری در امر صنایع دریایی و توسعه زیرساخت‌های آن در برنامه توسعه کشور بطور کامل مدنظر قرار گیرد.

۷ - اقدامات و برنامه‌ریزی‌های فرهنگی لازم جهت دائمی ساختن توجه به دریا در سطح عموم صورت گیرد. در این راستا گسترش استفاده از تغذیه از محصولات دریایی، اهتمام به تحقیقات فرهنگی مربوط به دریا و تشویق به در

پیش گرفتن مشاغل دریایی توصیه می‌شود. هرچند در سال‌های اخیر اقدامات بسیار مهمی در جهت توسعه توان دریایی و افزایش ظرفیت ناوگان کشور و گسترش سازه‌های دریایی صورت گرفته و اقدامات شیلاتی و تأسیس مراکز آزاد تجاری و نظایر آن را شاهد بوده‌ایم اما آینده اقتضا می‌کند که بیش از این به دریا توجه نماییم.

\* این سخنرانی در آبان ماه ۱۳۸۰ در تالار علامه امینی دانشگاه تهران و در همایش ملی ایران در قرن ۲۱ ایراد شده است.